

## بررسی دو سند دربارهٔ منصب‌های تفنگچیان

مولود ستوده<sup>۱</sup>

### چکیده

نگارنده، ضمن اشاره به دلایل ورود تفنگ به ارتش ایران می‌آورد که با افزایش کاربرد سلاح‌های گرم در ارتش و بروز لیاقت تفنگچیان، رسته‌های جدیدی در ارتش شکل می‌گیرد. قدرت و توان نظامی این ارتش، شاه عباس اول را وامی‌دارد تا دست به تغییراتی در ارتش بزند و بر آن اساس سپاهش را نظم ببخشد و در چنبرهٔ مهار خود داشته باشد. منصب‌های تفنگچی آقاسی، وزیر تفنگچیان، مین‌باشی تفنگچیان، تفنگچیان سرکار خاصه، تفنگداران شاهی و یوزباشی تفنگچیان، با استناد به فرمان شاه سلطان حسین مبنی بر انتصاب میرزا محمدتقی کلانتر یزد به وزارت تفنگچیان خاصه در سال ۱۱۳۱ق. و فرمان دیگر او مبنی بر اعطای مقام نیابت استانداری فارس به میرزا محمدتقی در ۱۱۳۰ق.، شرح داده می‌شوند. نتیجه گرفته می‌شود، ارتش یکی از اهرم‌های قدرت شاه در نظام حکومتی ایران بوده است، به طوری که با آن می‌توانسته: ۱- زهرچشم خوبی از دشمنان گرفته، بر بقای حکومتش بیفزاید؛ ۲- شاه با اهداف خاصی از جمله پذیرفتن قابلیت‌ها، استعدادها و توانمندی‌ها، جلوگیری از افزایش قدرت صاحب منصبان غیرایرانی، حاکم بودن فضای تشویش و رقابت میان صاحب منصبان ایرانی و غیرایرانی، و به حساب آوردن قدرت امیران ایرانی تبار نظام برای حفظ تعادل در قوای نظامی کشور، به افراد اهمیت می‌داد؛ ۳- کسب امتیاز از شاه از رهگذر آموزش آسان رعایا و مسلح کردن آن‌ها.

### کلید واژه‌ها:

ارتش / صفویان / عباس صفوی اول، شاه ایران، ۹۷۸-۱۰۳۸ق. / حسین صفوی، شاه ایران، قرن ۱۲ق. / سازماندهی / سلسله مراتب سازمانی / اسناد تاریخی

\*\*\*



## مقدمه

از سال‌ها قبل باروت ساخته شده بود؛ اما وقتی اروپائیان سلاحهای آتشینی چون توپ و تفنگ را ساختند، کاربرد باروت بیش‌تر گردید. اولین تأثیر این نوآوری‌ها، تغییر چهره جنگ‌ها در جامعه انسانی بود که در پس آن تحولات شگرفی پدیدار شد؛ تا آنجا که بعدها به دلیل گستردگی کاربرد باروت و جنگ‌افزارهای آتشزا و نیز تأثیرات عمیق آن در تولید قدرت بیش‌تر برای دارندگان این‌گونه سلاح‌ها، محققان، باروت را یکی از علل پیشرفت جامعه بشری به شمار آوردند.

## ورود تفنگ به ارتش ایران

از مدت‌ها قبل، اروپائیان به تأثیر کاربرد تفنگ در کسب برتری نظامی در جنگ‌ها پی برده بودند. دسته‌های جدیدی از توپچیان و تفنگچیان در درون ارتش به وجود آمده و صف‌آرایی سپاهیان سواره و پیاده، تحت تأثیر این پدیده نو قرار گرفت. اگرچه توپچیان و تفنگچیان عمدتاً جزو سپاه پیاده نظام به شمار می‌آمدند و به نظر می‌رسید، سپاه سواره از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، اما به کمک توپخانه، دیوار قلعه‌های مستحکم آن روزگار براحتی فرومی‌ریخت و آتش تفنگ‌ها - که پیشاپیش سواره نظام مستقر می‌شد - سپاهیان دشمن را به وحشت می‌انداخت و آسان‌تر هلاک می‌ساخت و با از هم پاشاندن نظم صفوف اول سپاه دشمن، پیروزی بر آنان بسیار آسان‌تر می‌شد.

هرچند ایرانیان از مدت‌ها قبل با توپ و تفنگ آشنا شده بودند، اما به دلیل انتخاب شمشیر به جای سلاح‌های گرم، ارتش شاه اسماعیل خود یکی از قربانیان این سلاح مخرب در جنگ چالدران شد. محققان، به رسته‌هایی از ارتش شاه اسماعیل اول اشاره کرده‌اند که به طور محدود شمشال یا تفنگ عادی به کار می‌برده‌اند؛ چیزی که بعدها در دوره

شاه تهماسب بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت. در مورد تفنگ، باید گفت که تا قبل از مرگ شاه اسماعیل، رسته‌هایی که شمشال یا تفنگ‌های عادی به کار می‌بردند، قسمتی از ارتش صفویه را تشکیل می‌دادند و بعد از به سلطنت رسیدن تهماسب، اشاره‌های متعددی به آن می‌شود.<sup>۱</sup>

## تفنگچی آقاسی

در دوره شاه عباس، ارتش ایران - که در طی حیات خود مبتنی بر مناسبات قبیله‌ای بود و در هنگام جنگ سربازان را جمع‌آوری می‌کرد - کم‌کم به سپاهی قابل دسترس و تحت فرمان شاه تبدیل شد که تنها نسبت به وی وفادار بودند.

با افزایش کاربرد سلاح‌های گرم در ارتش و بروز لیاقت تفنگچیان، رسته‌های جدیدی در ارتش ایران شکل گرفت که از قدرت و اعتبار بسیار برخوردار بودند. این قدرت و توان نظامی بالقوه، شاه عباس را واداشت تا دست به تغییراتی در ارتش بزند و بر آن اساس، سپاهش را نظم ببخشد و در چنبره مهار خود داشته باشد.

نخست منصب جدیدی به نام تفنگچی آقاسی ایجاد کرد. شاید این انتخاب دو دلیل داشته باشد: یکی اینکه تفنگچیان عمدتاً قوایی مرکب از دهقانان و پیشه‌ورانی ایرانی بودند؛ دوم اینکه بزرگان ایرانی دست به تجارت اسلحه می‌زدند. با توجه به اینکه پیشه‌وران و دهقانان تنها در زمان جنگ بسیج می‌شدند، نیروی جنگی کم‌آموده بود و مهم‌تر اینکه، افراد آن جزو رعایای بزرگان ایرانی به شمار می‌آمدند که حفظ تعداد آن‌ها در اقتصاد شهری و روستائی مهم بود و بزرگان ایرانی را به تهیه و استفاده از تفنگ ترغیب کرد که با کمی آموزش از رعایایشان نیروهای قدرتمندی می‌ساختند که هم توان حضور بیش‌تری در جنگ‌ها داشتند و هم نظر شاه را بیش‌تر به خود معطوف می‌کردند. به همین

دلایل، کاربرد تفنگ در میان این قشر بیش‌تر دیده می‌شود.

در حقیقت، شاه عباس با اعطای منصب جدید تفنگچی آقاسی به یکی از بزرگان ایرانی در کنار قورچی‌ها و غلامان، قوائی مرکب از دو طبقه شهری و روستائی ایرانی جمع‌آوری کرد که از آن پس تفنگچیان نامیده می‌شدند. حضور این نیرو را در ارتش صفوی، پیروزی عناصر ایرانی بر عناصر غیرایرانی نامیده‌اند و به این ترتیب، شاه عباس با قرار دادن منصب تفنگچی آقاسی در کنار مناصب قورچی باشی<sup>۲</sup> و قوللر آقاسی<sup>۳</sup> تا حدودی بین عناصر ناهمگون قوای نظامی ایران، تعادل برقرار کرد.<sup>۴</sup>

تفنگچی آقاسی، جزو امرای دولتخانه بود. بنا به اهمیتی که وی در نزد شاه و درباریان داشت، در منصب خود به عنوان سفیر انتخاب می‌شد و یا پس از مرگ شاه و انتخاب جانشین وی، تفنگچی آقاسی - که دارای نفوذ و قدرت نظامی خاصی بود - جهت تهیه مقدمات تاجگذاری، اعلام خبر جلوس شاه جدید، سرکوبی طغیان و یا شورش‌های همیشگی قبل از به تخت نشستن شاه جدید، دست به اقدامات گسترده‌ای می‌زد و پس از انجام این سلسله اقدامات، همراه با دیگر امرای عازم قصر شاهزاده می‌گردید تا رسماً شاه جدید را بر تخت نشانند.

در زمینه سیاست خارجی، تفنگچی آقاسی به عنوان سفیر نیز انتخاب می‌شد. قدرت کلام، کاردانی و لیاقتی که وی در برخورد با قدرت‌های همسایه و آرام کردن مرزهای کشور از خود نشان می‌داد، زمینه اقدامات بعدی وی را نیز فراهم می‌کرد. هرگاه شورش رخ می‌داد، شاه تفنگچی آقاسی را از میان درباریان طالب این مأموریت، به نواحی شورش زده گسیل می‌کرد.

سیاستمداری تفنگچی آقاسی و توانمندی‌های

نظامیش، او را از دیگر امیران - که خواهان خدمت به شاه، برخورداری از نواخت‌های شاهانه و ترقی در دولتخانه بودند - مجزا می‌ساخت و برتری می‌بخشید.

«تفنگچی لر آقاسی، برای رفتن به اصفهان انتخاب شد. زیرا وی، چندی قبل در سفارت، به خدمت اورنگ زیب پادشاه هند [۱۶۵۸-۱۷۰۷ م. / ۱۰۶۸-۱۱۱۹ ق.] از خود هوش و زیرکی بسیار نمودار کرده بود. او - که مردی حیل‌گر و در عین حال زبان‌آور و دلیر بود - درخور این مأموریت بود و پیش‌بینی می‌شد که بتواند از طغیان و شورش مردم جلوگیری و یا آن را در نطفه خفه کند. خیلی‌ها طالب انجام دادن این مأموریت بودند تا بلکه بتوانند از شاه جدید مزدگانی سرشاری دریافت کنند. اما چون قرار بود مرگ شاه را پنهان نگاهدارند، صلاح نبود که یکی از معتمدین وی یا یکی از صاحب‌منصبان عالیمقام را - که بر حسب شغل همواره می‌بایست در ملازمت شاه باشد - به اصفهان بفرستند. بعضی از اعیان و رجال، خود نمایندگان همراه این فرستاده کردند. از آن‌ها گذشته، دو ستاره‌شناس نیز ملازم وی بودند تا بتوانند ساعت سعد را برای تاجگذاری تعیین کنند.»<sup>۵</sup>

تفنگچی آقاسی، با استفاده از این موقعیت پیش‌آمده و بروز کاردانی و لیاقت، جایگاه خود را در دربار تثبیت می‌کرد و حتی در آئین‌های گوناگون، از تاجگذاری گرفته تا ضیافت‌های مختلف، تفنگچی لر آقاسی در سمت راست شاه و در کنار صاحب‌منصبان پر نفوذ دربار از جمله قورچی باشی، قوللر آقاسی، میرشکار باشی، دو نفر منجم و بیگلربیگی می‌نشست.<sup>۶</sup>

همان‌طور که وفاداری به شاه علت اصلی اعطای تمام مناصب به اشخاص بود، ظن خلاف آن نیز نتایج ناگواری برای صاحب‌منصبان داشت. البته اگر وی بر اثر حوادث و یا دسیسه‌های درباریان

مورد غضب شاه قرار می‌گرفت، علاوه بر مصادرهٔ اموالش، به قتل محکوم می‌شد و سر از بدنش جدا می‌گردید.<sup>۷</sup>

تفنگچی آقاسی همراه با قورچی باشی، قوللر آقاسی، ایشیک آقاسی، وزیر اعظم، دیوان بیگی و واقعه‌نویس، جزو امرای جانقی بود. در این مجمع - که با حضور ناظر، مستوفی الممالک و امیرشکارباشی تشکیل می‌گردید - به بررسی اوضاع نظامی کشور می‌پرداختند و در مواردی که ضرورت می‌یافت و سپهسالاری جهت اعزام به منطقه‌ای تعیین می‌شد، حضور سپهسالار در آن مجمع ضروری بود.<sup>۸</sup>

### وزیر تفنگچیان سرکار خاصه

مقام پس از تفنگچی آقاسی، وزیر تفنگچیان بود که وی از دو طریق ارث و لیاقت، به این منصب می‌رسید. بنابر اصل عمومی در دربار ایران، منصب وزارت تفنگچیان مانند دیگر مناصب درباری، موروثی بود که طبق این سنت قدیمی، پسر بعد از پدر بر این مسند می‌نشست، به شرط آنکه از صفاتی چون اخلاص و کفایت‌اندیشی نسبت به شاه و فرمان‌هایش همانند پدر خود بهره‌مند بوده باشد و در عمل آن‌ها را به کار می‌گرفت.

«لازم فرموده‌ایم که اخلاص کیشان صافی رای و کفایت‌اندیشان کارگشای را - که پدر بر پدر مصدر حسن خدمت و خلفاً عن سلف، پذیرای خلوص عبودیت باشند - از مواید خوان احسان و عواید بر و امتنان بهره‌مند و محظوظ فرمائیم.»<sup>۹</sup>

در مواردی هم صاحب منصبی با نشان دادن لیاقت و درستکاری از خود، به منصب وزارت تفنگچیان می‌رسید.

«ناظم این مضمون، زبان حال وزارت و شرافت و نجابت پناه عزت و عوالی دستگاه شمساً للوزارة و الشرافة و النجابة و المعالی، میرزا محمدتقی کلانتر دارالعبادة یزد است که از سیاق احوالش، خط

راستی و درستی معلوم و از مضمون حالش، معنی اخلاص و نیک نفسی مفهوم است. لهذا شمه‌ای از مراحم بیدریغ خدیوانه و شردمه [ای]<sup>۱۰</sup> از مکارم بلیغ خسروانه کافی امانی و آمال مشارالیه فرموده، از ابتدای ششماهه و نیم ایت ثیل وزارت و نجابت پناه مومی الیه را به رتبهٔ وزارت تفنگچیان سرکار خاصه شریفه، سرافراز و آنچه به هر جهت از موجب و رسوم در ازای امر مزبور در وجه وزیر سابق مقرر بوده، به دستور در وجه مشارالیه عنایت و مرحمت فرمودیم که چنانچه باید و شاید، از روی کمال راستی به خدمت مزبور و لوازم و مراسم آن، قیام و اقدام نموده، دقیقه [ای] فوت و فروگذاشت ننماید.»<sup>۱۱</sup>

جلب اعتماد شاه، ابراز کاردانی، توانائی حل مسائل، توان جلب اعتماد اقشار مختلف به خود، رسیدن به درجهٔ کسب نوشته و رقم از شاه، همه دست به دست هم می‌داد تا فرد با داشتن این ویژگی‌ها، به وزارت ایالت‌های مهم فارس و آذربایجان هم منصوب گردد.

«آنکه بنابر وفور اعتماد خاطر خطیر سلطانی و کمال اعتقاد ضمیر منیر خاقانی به عقل و هوش و کاردانی و عقیدت و اخلاص و فرزاندگی وزارت و نیابت و شرافت فضائل پناه نجابت و عزت و کمالات دستگاه سلالهٔ النجباء و العظام، حاج الحرمین الشریفین، شمساً للوزارة و النجبا و النیابة و الشرافة و المعالی، میرزا محمدتقی وزیر تفنگچیان سرکار خاصه شریفه و صاحب رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلا - که آثار راستی و علامات نیک نفسی و کم طمعی از وجه، از همهٔ احوال او بر وجه عیان ظاهر و نمایان است - شمه‌ای از شفقت بی‌غایت شاهانه و شردمه‌ای از مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه، شامل حال مشارالیه فرموده، از ابتدای تنگوزئیل نیابت وزارت فارس عالیجاه امیرالامراء العظام، سپهسالار و بیگلربیگی کل

ولایت فارس و آذربایجان را - به دستوری که به میرزا عبدالرحیم نایب سابق عالیجاه مشارالیه مرجوع بود - به شرافت و نجابت پناه مومی الیه شفقت و عنایت فرمودیم.<sup>۱۲</sup>

وزیر تفنگچیان، همانند دیگر امیران برای تأمین بودجه افراد نظامی تیول می‌گرفت تا حقوق سپاهیان را براساس تنخواه‌های صادر شده، پردازد. این گونه تنخواه‌ها، به مهر وزیر تفنگچیان می‌رسید و در روز سان - که شاه در مجلس بهشت آئین حضور پیدا می‌کرد - وزیر تفنگچیان، نسخجات سان و میزان تیول و مواجب، همه ساله و نفری جماعت مذکور را می‌خواند.<sup>۱۳</sup>

نحوه اعطای تیول، به شرح زیر بود:

فرموده از ابتدای تنگوزیل نیابت وزارت فارس عالیجاه امیرالامراء العظام، سپهسالار ایران و بیگلربیگی کل ولایت فارس و آذربایجان را - به دستوری که میرزا عبدالرحیم نایب سابق عالیجاه مشارالیه مرجوع بود - به شرافت و نجابت پناه مومی الیه، شفقت و عنایت فرمودیم که به نیابت عالیجاه مشارالیه، مالیات محال مزبوره را سوای محالی که به شرح ذیل به تیول و همه ساله و ضبط جماعت مذکوره مقرر و برقرار است، از مالوجهات و سایر جهات و وجوه چوپان بیگی!

عالیجاه قورچی باشی

مقرب الخاقان آقا کمال، ریش سفید حرم محترم

علیه عالیه

مقرب الخاقان جبادار باشی

عالیجاه ایشیک آقاسی باشی حرم علیه عالیه و

محمدجواد بیگ

مقرب الحضرة محمد بیگ زیندار باشی از بابت

قریه آباه که از قدیم به همه ساله غلامان زیندار و

الحال به ضبط او مقرر است؛

کدخدایان قریه ایزد خواست از بابت مالوجهات

ایشان که از قدیم به مقطع قرار یافته که هر ساله،

ایفاد دولتخانه معموره نمایند؛

ضابط قریه والیدار بابت وجوهات محل مزبور که حسب انجمن به همه ساله غلامان و غیره مقرر است؛

ضابط قریه حسین آباد خورسک و بوسکان و

قریه برزوان و غیره که وقف شده؛

و خارج المال و غیره وجوهات از قرار نسخه

نقل جمعی که قبل از این مستوفیان عظام نوشته، به

عالیجاه مشارالیه سپرده‌اند و ارقام و احکام مطاعه

و تعلیقجات عالیجاه وزیر دیوان اعلا - که بعد از

تحریر نسخه نقل جمع مزبور در باب ضبط بعضی

محال شرف صدور یافته - به حیطة ضبط درآورده،

آنچه به هر جهت از مالیات محال مذکوره برین

موجب به مصارف معینه مقرر است، به مصارف

مزبوره رسانیده، آنچه باقی شد، در عوض مواجب

ملازمان جدید که عالیجاه مشارالیه تعیین نموده

باشد؛

مقرری بیوتات معموره که می‌باید سال به سال

ایفاد نماید؛

مرسوم و مواجب توشمال باشی و داروغه دفتر

و ناظر دواب و آقایان عظام و عمله بیوتات معموره

و قورچیان و غلامان و تفنگچیان ممسنی و غیره و

قوشچیان و توپچیان و سایر جماعت؛

و خلعت بها و بذر و سایر مستمریات؛

مهمسازی نموده، چنانچه باید و شاید و از

کاردانی و کفایت اندیشی و فرزاندگی او سزد، به

امور مزبوره و لوازم و مراسم آن قیام و اقدام نموده،

دقیقه‌ای فرو گذاشت ننماید و در نظم و نسق و رتق

و فتق مهمات الکای مزبور و مراتع و ایلخی‌های

سرکار خاصه شریفه - به شرحی که در رقم عالیجاه

سپهسالار است - و تنبیه امیر آخوران و مفسدین

و اجامره و اوباش و دزد و قطاع الطریق و ضبط

مالیات و توفیر و تکثیر زراعت ...<sup>۱۴</sup> حال عجزه و

مساکین اهتمام تمام به عمل آورده، کوتاهی ننماید

و با رعایا و برایا نوعی سلوک نماید که همگی از حسن سلوک او راضی و شاکر و...<sup>۱۵</sup> ذات اقدس اعلا حاصل گردد.»<sup>۱۶</sup>

### مین باشی تفنگچیان

مین باشی تفنگچیان، از جمله کارآزموده‌ترین و باتجربه‌ترین افراد تفنگچیان بود که به این مقام می‌رسید. وی می‌بایست در طول سالیان سپاهگیری، رشادتها و فتوحات بسیار می‌کرد تا به چنین درجه‌ای در میان تفنگچیان می‌رسید.

«میر فتاح، مین باشی تفنگچیان اصفهانی، مرد کاردیده، جنگ آزموده و قلعه‌دار [ی] بود.»<sup>۱۷</sup>

### یوزباشی تفنگچیان

در آغاز کار، تفنگچیان تحت فرمان یوز باشیان بودند. یوزباشی تفنگچیان علاوه بر شجاعت و جنگاوری، از علم و ادب نیز بهره برده بودند و این ویژگی‌ها، آنان را از تفنگچیان مجزا می‌ساخت.

«آقای قوام‌الدین لاریجانی، یوزباشی تفنگچیان لاریجان که جوان قابل، سنجیده، کاردان [بود] و به سخن سنجی و نظم اشعار اتصاف داشت.»<sup>۱۸</sup>

### تفنگچیان سرکار خاصه

همان گونه که اشاره شد، تفنگچیان قوایی مرکب از دهقانان و پیشه‌وران ایرانی بودند. اینان، افراد بسیار چالاکتی بودند که پای پیاده می‌جنگیدند و ملزم به اطاعت از وزیر تفنگچیان و دستورهای وی بودند که در فرمان‌های صادره، بصراحت فرمانبرداری از او قید می‌شد.

«تفنگچیان سرکار خاصه شریفه وزارت و شرافت پناه، مشارالیه را وزیر بالاستقلال آن سرکار دانسته، رسومات امر مزبور را به دستوری که واصل وزیر سابق می‌ساخته‌اند، مهمسازی مومی الیه نموده، چیزی قاصر و منکسر نگردانند و ارقام

و احکام داد و ستد آن سرکار را به خط و مهر مشارالیه، معتبر دانند.»<sup>۱۹</sup>

تعداد تفنگچیان را حدود دوازده هزار تن ذکر کرده‌اند.<sup>۲۰</sup> هر تفنگچی، دارای یک شماره بوده که هنگام خواندن نام وی، شماره‌اش نیز ذکر می‌شدند است.<sup>۲۱</sup> تفنگچسانی که از هر منطقه جمع می‌شدند تا به خدمت گرفته شوند، به نام همان محل خوانده می‌شدند؛ از جمله در منابع از آنان به عنوان تفنگچیان قدرانداز صفاهانی، تفنگچیان چغتای خراسانی، تفنگچیان فالی فارس، تفنگچیان تبریزی و...<sup>۲۲</sup> نام برده‌اند و حتی نام محله‌ای در شهر بر تفنگچیان آن محله گذاشته می‌شده و بدان شناخته می‌شده‌اند.

«... پهلوان محمد، نام شخصی بود از تفنگچیان جوزانی اصفهانی...»<sup>۲۳</sup>

در منابع، تفنگچیان را علاوه بر صفت‌های گوناگونی مانند پهلوان، دلیر و...، آنان را تفنگچیان باریک بین جلادت شعار گفته‌اند.<sup>۲۴</sup> شاید اطلاق این صفت، به دلیل استفاده آنان از یک چشم در هنگام نشانه‌روی از روی خط باریک پشت لوله تفنگ بوده باشد که هدف را از مسافتی دور تعیین می‌کردند و مورد اصابت قرار می‌دادند.

البته به دلیل وجود رقابت‌ها در میان وزیران و امیران غیرایرانی و نظامیان وابسته به آنان، بخصوص سواره نظام که از اسب استفاده می‌کردند و از پایه‌های اصلی ارتش صفوی به شمار می‌آمدند، سعی در به رخ کشاندن اهمیت و اعتبار خود در جرگه سپاهیان داشتند و در تخفیف تفنگچیان، آنان را علف دم شمشیر یا گوشت دم تیغ می‌خواندند.<sup>۲۵</sup>

### مستوفی و کتاب سرکار تفنگچیان

در دستگاه دیوان اعلا، یک مستوفی و چند کاتب خاص وظیفه داشتند که احکام داد و ستد و میزان آن را دریافت کنند و به مهر وزیر تفنگچیان مهور نمایند. آنگاه این ارقام را با احکام دیوانی - که این

میدان می‌آمدند و در نزدیکی‌های دشمن، از اسب پائین می‌پریدند و پیاده می‌جنگیدند.<sup>۲۸</sup> پشت سر آن‌ها سواره نظام حمله می‌کرد و در این مدت تفنگچیان فرصت می‌یافتند که تفنگ‌های خود را پر کنند و مسلح شوند. ولی اگر در این فاصله دشمن، سواره نظام را غافلگیر می‌کرد و از پشت سر به آن‌ها حمله می‌آورد، تفنگچیان براحتی از دم تیغ سپاه دشمن می‌گذشتند و قلع و قمع می‌شدند.

«در جنگ با گرجیان، به فوج پراکنده قزلباش و تفنگچی حمله کردند و آن‌ها که فرصت پر کردن تفنگ‌های خود را نداشتند، مغلوب گرجیان شدند.»<sup>۲۹</sup>

از لحاظ آرایش سپاه، تفنگچیان یا در صف جلو و یا در سمت چپ قرار داشتند. قرار گرفتن آن‌ها در صف اول سپاه، باعث برتری نیروهای قزلباش یا سواره نظام می‌شد که پشت سر آن‌ها به سپاه نامنظم و متوحش دشمن - که آماج گلوله‌های تفنگ شده بودند - حمله‌ور می‌شدند. البته ممکن است حضور تفنگچیان در سمت چپ، به دلیل جبران ضعف سواره نظام بوده باشد که با دست راست می‌جنگیدند.

«چون رعایای بعضی مواضع میان کوه جانب دست چپ رومیه و بعضی محال دست راست - که طرف خسروشاه و آن حوالی باشد - هنوز از مکان خود حرکت نکرده بودند، حسن خان استاجلو، حاکم همدان را با فوجی از عساکر و تفنگچیان چغتای و خراسانی را به سرکردگی مهدی‌قلی بیگ امیرآخورباشی چغتای، به جانب دست چپ و علیقلی خان شاملو و امامقلی خان، ولد الله‌وردی خان را با فوج دیگر از افواج قاهره به جانب دست راست فرستاده ...»<sup>۳۰</sup>

تفنگچیان قبل از رسیدن به جبهه دشمن، موظف بودند غلزارها و غلات را بسوزانند تا از پنهان

فرمان به همان منظور صادر شده بود - تطبیق دهند و در دفاتر خلود به ثبت برسانند.

«مستوفی و کتاب سرکار تفنگچیان، حسب المسطور مقرر دانسته، موافق قانون و دستوری که سابقاً معمول بوده، به عمل آورند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلا، این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده، از شائبه تغییر و تبدیل، مصون و محروس شناسند و در عهده دانند.»<sup>۲۶</sup>

### تفنگداران شاهی

روز به روز بر اهمیت تفنگچیان افزوده شد؛ تا آنجا که دسته‌ای از خواجه‌های سفید را تحت عنوان تفنگداران شاهی، همراه با یک دسته کشیکچی، مأمور حفاظت از کاخ انتخاب کردند. این تفنگداران، به صورت دسته‌های چندتائی، در ساعات مختلف شبانه‌روز به محافظت از کاخ می‌پرداختند و زمان استراحت را به محلی که به آن‌ها اختصاص یافته بود، می‌رفتند و تعویض نوبت می‌کردند.

«... در این جا همواره یک دسته خواجه‌های سفید که تفنگداران شاهی بوده و یک دسته کشیکچی دیده می‌شود. منزل ایشان، در حجراتی است که اطراف باغ بادام ساخته شده است.»<sup>۲۷</sup>

### وظایف تفنگچیان در جنگ

وظایف تفنگچیان، بنابر موقعیتی که پیش می‌آمد از جمله جنگ در فضای باز، گرفتن قلعه، حصری شدن در قلعه و یا محافظت از شهرها، متفاوت بود.

#### ۱- جنگ در فضای باز

در هنگام جنگیدن در فضاها، تفنگچیان پای پیاده و مردانه با شمشیر، تفنگ و گاه سپر خود می‌جنگیدند. وقتی که اهمیتشان در جنگ‌ها بیش‌تر نمایان شد، به اسب نیز مجهز شدند. با اسب به



شدن دشمن در میان علفزارها و یورش ناگهانی آنان جلوگیری کنند. از سوی دیگر، دشمن از لحاظ آذوقه و علیق در مضیقه قرار می‌گرفت.

«بنابر آن، حکم قضا نفاذ به صدور پیوست که جمیع امرای آذربایجان با تفنگچیان خاصه - که در سال گذشته به تبریز فرستاده شده بود[ند] به ایروان و به سرکردگی امیر گونه خان - تا قراچه اردهان آخسقه و حدود ارض روم رفته، در دفع مخالفان و تاخت و غارت آن ولایت و سوختن علفزارها و غلات، دقیقه‌ای فرو گذاشت نکنند.»<sup>۳۱</sup>

هنگام حرکت سپاهیان، تفنگچیان را در بین عرابه‌های توپ، به صورت دسته‌های ده نفری قرار می‌دادند.

«بعد از سپاه چرخچی توپچیان و عرابچیان، عرابه را پیش انداخته، مابین هر دو عرابه، ده نفر تفنگچی - که مجموع سه هزار تفنگچی بوده باشند و در عقب زنجیر عرابه پیاده می‌رفتند - باشند.»<sup>۳۲</sup>

## ۲- گرفتن قلعه

هنگامی که جنگ پشت دروازه‌های قلعه دشمن و یا شورشیان رخ می‌داد، وجود تفنگچیان برای سرنگون ساختن قوای دشمن - که در بالای برج و باروی قلعه، مانع نزدیک شدن قوای مهاجم به کنار دیواره‌های قلعه می‌شدند - بسیار مؤثر بود؛<sup>۳۳</sup> و یا پس از گشودن قلعه، موظف به حفاظت از قلعه و تأمین امنیت درون آن بودند.

## ۳- حصری شدن در قلعه

هنگامی که سپاهیان ایرانی در درون قلعه محصور می‌شدند، با حملات پی‌درپی، سعی در دستبرد و شکست دشمن داشتند و هرگاه آنان نیز پایداری می‌ورزیدند و برای گشودن قلعه حمله می‌کردند، مقاومت کرده، علاوه بر حمله به دشمن، برای یافتن راهی به بیرون و آوردن آذوقه و یا فرستادن

جاسوس، میان سپاهیان نقب می‌زدند و یا حصری پشت حصار شهر می‌کشیدند.

«صفی‌قلی خان با شجاعان نامدار و تفنگچیان و تفنگچی باشیان قلعه‌دار، دامان مردانگی بر میان جان استوار کرده، چپقلش‌های<sup>۳۴</sup> مردانه می‌کردند و یک دو مرتبه به سیبه‌ها<sup>۳۵</sup> ریخته و دستبردهای نمایان کرده، با غنایم موفور به قلعه مراجعت نمودند و آنچه نهایت احتیاط بود، به ظهور آورده، جمعی به خاک اندرون می‌کشیدند، جمعی پاس نقب می‌داشتند و چون توپخانه رومیان در طرف دروازه قراقاپی بود و از آن طرف در تسخیر قلعه اهتمام بیش‌تر داشتند، بنابر حزم و احتیاط، از اندرون حصار، حصار دیگری می‌کشیده، برج و باره استحکام دادند.»<sup>۳۶</sup>

## ۴- محافظت از شهرها

تفنگچیانی که در شهر مستقر می‌شدند، وظایف دیگری داشتند، از جمله همکاری با داروغه در جهت حفظ نظم و امنیت داخل و خارج شهر و ممانعت از انجام اعمال خلاف شرع و قانون.

«معمول بود که از سرکار قورچی و غلام و آقایان تفنگچی و توپچی، به تائینی داروغه مشارالیه متصور بوده‌اند که حسب‌الصلاح او، به خدمت قیام و جماعت مذکوره را به نحوی که مناسب و ضرور داند، به سرکردگی شخص ایشان - که او را سر دسته می‌نامند - در هر محله از محلات شهر تعیین نمایند که روز و شب در آن محله بوده، به محافظت و ممارست قیام نمایند که کسی مرتکب ظلم و خلاف حساب و نامشروعی نگردد و آنچه در آن محل به وقوع رسد، چگونگی را به عرض داروغه رسانیده که او تمیز و تشخیص و باز خواست نماید و هر شب، آن جماعت، آن محله را گردش نمایند.»<sup>۳۷</sup>

البته این حضور دائمی و اعمال قدرت، گاهی به



جای حفظ نظم و امنیت، به اعمال خلاف اخلاق تفنگچیان می‌انجامید.<sup>۳۸</sup>

### محل سکونت تفنگچیان

تفنگچی آقاسی - که در رأس تفنگچیان بود - مانند دیگر امیران برجسته، در کاخ‌ها و منازل اشرافی زندگی می‌کرد<sup>۳۹</sup> و تفنگچیان، در حجرات اطراف محل کشیکشان مستقر می‌شدند.

« ... در این جا همواره یک دسته خواجه‌های سفید که تفنگداران شاهی بوده و یک دسته کشیکچی دیده می‌شود. منزل ایشان، در حجراتی است که اطراف باغ بادام ساخته شده است.»<sup>۴۰</sup>  
آن دسته از تفنگچیان - که مأمور خدمت در مناطق خارج از شهر می‌شدند - یک منطقه را برای ییلاق و قشلاق آن‌ها معین می‌کردند.<sup>۴۱</sup>

### حقوق تفنگچیان

در منابع، حقوق تفنگچی آقاسی را - که اکثر از ابرقوه اصل می‌شد - بالغ بر هفتصد و یازده تومان و پنج هزار و سیصد دینار و کسری، وزیر تفنگچی پنجاه تومان، مستوفی غلام و تفنگچیان سی تومان، تفنگچیان و ریکایان و غیره هم - که در تحت عنوان تفنگچیان ملازم شناخته می‌شدند - بیست و یک هزار و نهصد و شصت تومان و سه هزار دینار و کسری مواجب می‌دادند. صاحب توجیه از تیول قورچیان، غلامان، تفنگچیان و توپچیان، پنجاه دینار رسوم برمی‌داشت.<sup>۴۲</sup> حقوق مشخص شده هر نفر، سالیانه طبق تنخواه پرداخت می‌شد. امرا نیز برای اختصاص حقوق بیش‌تری به خود، با بالا بردن تعداد سربازان بر روی کاغذ، قوای اصلی ارتش را تضعیف می‌کردند؛ تا آنجا که آن‌ها با هجوم افغان‌ها، دیگر انگیزه وفاداری به شاه و فرمان وی را نداشتند و براحتی به سلطان حسین پشت کردند و محمود افغان را برگزیدند.<sup>۴۳</sup>

### نتیجه‌گیری

۱- در نظام حکومتی ایرانیان، شاه مرکز قدرت به شمار می‌آمده است. جلب اعتماد وی و وفاداری به او، منجر به طی کردن پله‌های ترقی می‌شد و زمینه کسب مناصب، القاب و منابع مالی را برای امیران و صاحب منصبان فراهم می‌ساخت. از طرفی، شاه همواره خود را در معرض خطر سقوط می‌دید. لذا تحمل کوچک‌ترین سرپیچی‌ها را نداشت. این ترس دائمی شاه، زمینه را برای توطئه‌چینی درباریان فراهم می‌ساخت تا بتوانند با نزدیک‌تر شدن به شاه، رقیبان را از میان بردارند. بنابراین مخالفت با شاه، به طور عمد یا غیرعمد و تنها به خاطر وجود کوچک‌ترین ظن شاه یا توطئه‌چینی دشمنان، صاحب‌منصبان را - حتی اگر افرادی بسیار قدرتمند و ذی‌نفوذ بودند - در معرض مرگ و نابودی قرار می‌داد. بسته به میزان غضب شاه، مجازات از قتل، مصادره اموال و یا نابودی کل خاندان و افراد منتسب به وی، متغیر بود. از طرفی، شاه هم زهرچشم خوبی از بقیه می‌گرفت و بر بقای حکومتش می‌افزود.

۲- اهمیت دادن به افراد، برای شاه از چندین جهت مهم بود.

الف- پذیرفتن قابلیت‌ها، استعدادها و توانمندی‌ها.

ب- جلوگیری از افزایش قدرت صاحب‌منصبان غیرایرانی.

ج- حاکم بودن فضای تشویش و رقابت میان صاحب‌منصبان ایرانی و غیرایرانی که همواره آن‌ها را ضعیف نگه می‌داشت و مانع از اتحاد آنان و انتخاب شاه جدید می‌شد.

د- مهم‌تر اینکه شاه ناگزیر بود قدرت امیران ایرانی تبار نظام را در جزو ارتش خود به شمار آورد و از آنان به عنوان وزنه‌ای در ایجاد تعادل در قوای نظامی کشور استفاده کند.

۳- پیشینه ایرانیان، همواره حاکی از ارتباط با دنیای خارج و آگاهی یافتن از اختراعات و نوآوری‌ها و کسب آن‌ها بوده است. در میان این نوآوری‌ها، ایرانیان به تفنگ و کاربرد آن بیش‌تر علاقه نشان دادند و با بهره‌گیری از این فناوری نو، توانستند مناصب مهمی به دست آورند. علت این علاقه‌مندی را می‌توان چنین برشمرد: به کار گرفتن فناوری جدید برای جبران ضعف نظامی در مقابل نیروی قبیله‌ای بیگانه و مسلط، آموزش آسان رعایا و مسلح کردن آن‌ها، قدرت اسلحه گرم در برابر و یا کنار قدرت شمشیر و شمشیرزنان آزموده و قدرتمند قبیله‌ای، و نیز افزایش توانمندی و کسب امتیاز از شاه.

#### «سند شماره ۱»

آنکه بنابر وفور اعتماد خاطر خطیر سلطانی و کمال اعتقاد ضمیر منیر خاقانی به عقل و هوش و کاردانی و عقیدت و اخلاص و فرزاندگی وزارت و نیابت و شرافت فضائل پناه نجابت و عزت و کمالات دستگاه سلالة النجباء و العظام، الحرمین الشریفین، شمساً للوزارة و النجبا و النیابة و الشرافة و المعالی، میرزا محمدتقی وزیر تفنگچیان سرکار خاصه شریفه و صاحب رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلا - که آثار راستی و علامات نیک نفسی و کم طمعی از وجه، از همه احوال او بر وجه عیان ظاهر و نمایان است - شمه‌ای از شفقت بی‌غایت شاهانه و شردمه‌ای از مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه، شامل حال مشارالیه فرموده، از ابتدای تنگوزئیل، نیابت وزارت فارس عالیجاه امیرالامراء العظام، سپهسالار ایران و بیگلربیگی کل ولایت فارس و آذربایجان را - به دستوری که میرزا عبدالرحیم نایب سابق عالیجاه مشارالیه مرجوع بود - به شرافت و نجابت پناه مومی الیه، شفقت و عنایت فرمودیم که به نیابت عالیجاه مشارالیه،

مالیات محال مزبوره را سوای محالی که به شرح ذیل به تیول و همه ساله و ضبط جماعت مذکوره، مقرر و برقرار است، از مالوجهات و سایر جهات و وجوه چوپان بیگی؛

عالیجاه قورچی باشی؛

مقرب الخاقان آقا کمال، ریش سفید حرم محترم علیه عالیه؛

مقرب الخاقان جبادار باشی؛

عالیجاه ایشیک آقاسی باشی حرم علیه عالیه و محمدجواد بیگ؛

مقرب الحضرة محمد بیگ زیندار باشی، از بابت قریه آبا ده که از قدیم به همه ساله غلامان زیندار و الحال به ضبط او مقرر است؛

کدخدایان قریه ایزد خواست، از بابت مالوجهات ایشان که از قدیم به مقطع قرار یافته که هر ساله ایفاد دولتخانه معموره نمایند؛

ضابط قریه والیدار، بابت وجوهات محل مزبور که حسب انجمن، به همه ساله غلامان و غیره مقرر است؛

ضابط قریه حسین آباد خورسک و بوسکان و قریه برزوان و غیره که وقف شده؛

و خارج المال و غیره وجوهات از قرار نسخه نقل جمعی که قبل از این مستوفیان عظام نوشته، به عالیجاه مشارالیه سپرده‌اند و ارقام و احکام مطاعه و تعلیقات عالیجاه وزیر دیوان اعلا که بعد از تحریر نسخه نقل جمع مزبور در باب ضبط بعضی محال شرف صدور یافته، به حیطة ضبط درآورده، آنچه به هر جهت از مالیات محال مذکوره برین موجب به مصارف معینه مقرر است، به مصارف مزبوره رسانیده، آنچه باقی شد، در عوض موجب ملازمان جدید که عالیجاه مشارالیه تعیین نموده باشد؛

مقرری بیوتات معموره که می‌باید سال به سال ایفاد نماید؛



فرمان شاه سلطان حسین، مبنی بر اعطای مقام نیابت وزارت فارس به میرزا محمدتقی وزیر تفنگچیان خاصه (۱۱۳۱ ق.)



مرسوم و مواجب توشمال باشی و داروغه دفتر و ناظر دواب و آقایان عظام و عمله بیوتات معموره و قورچیان و غلامان و تفنگچیان ممسنی و غیره و قوشچیان و توپچیان و سایر جماعت؛ و خلعت بها و بذر و سایر مستمریات؛ همسازی نموده، چنانچه باید و شاید و از کاردانی و کفایت اندیشی و فرزاندگی او سزد، به امور مزبوره و لوازم و مراسم آن قیام و اقدام نموده، دقیقه ای فرو گذاشت ننماید و در نظم و نسق و رتق و فستق مهمات الکای مزبور و مراتع و ایلخی های سرکار خاصه شریفه - به شرحی که در رقم عالیجاه سپهسالار است - و تنبیه امیر آخوران و مفسدین و اجامره و اوباش و دزد و قطاع الطریق و ضبط مالیات و توفیر و تکثیر زراعت ...<sup>۴۴</sup> حال عجزه و مساکین اهتمام تمام به عمل آورده، کوتاهی ننماید و با رعایا و برایا نوعی سلوک نماید که همگی از حسن سلوک او راضی و شاکر و...<sup>۴۵</sup> ذات اقدس اعلا حاصل گردد.

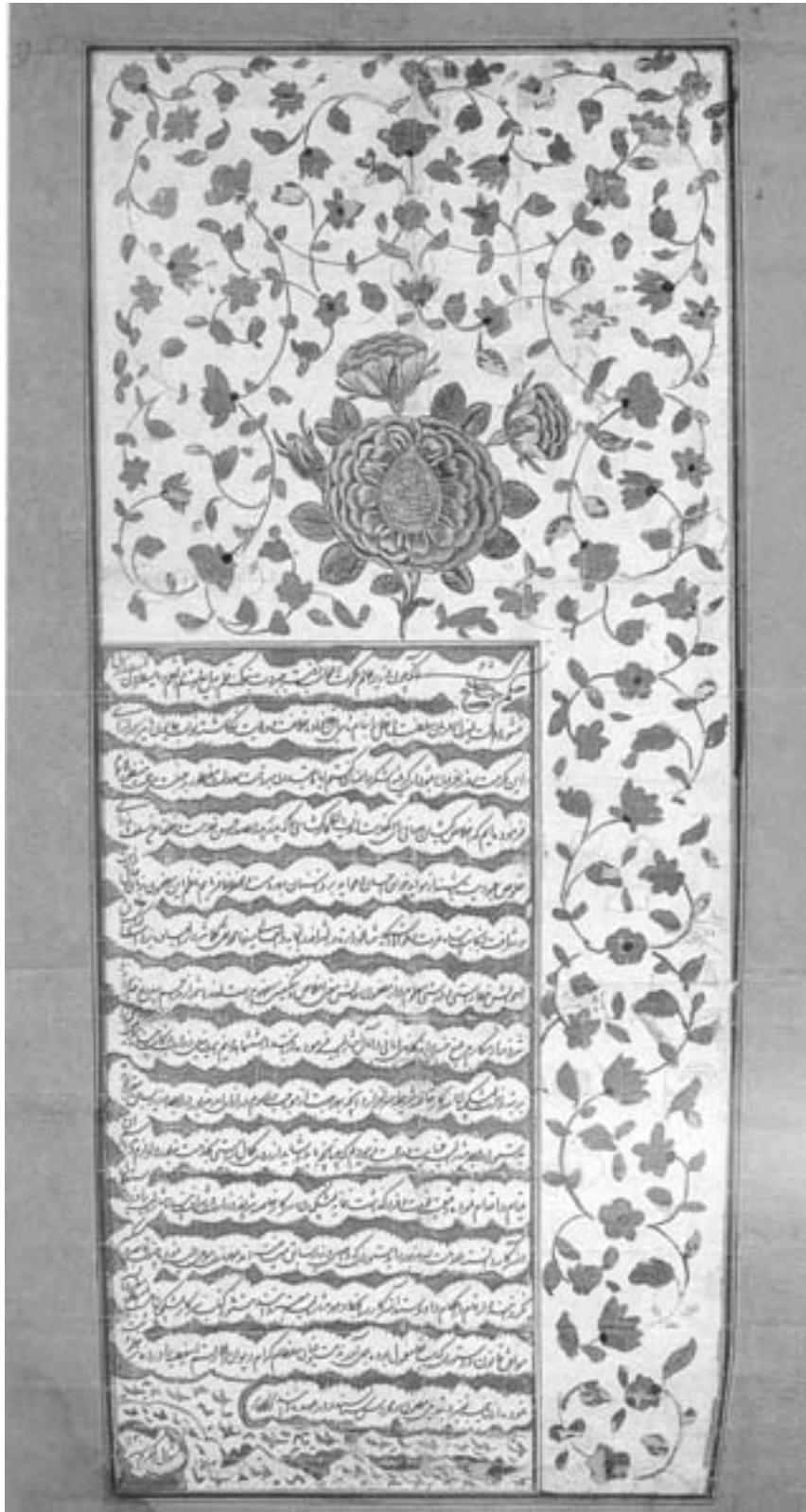
### «سند شماره ۲»

مهر: سلطان حسین، کلب امیرالمؤمنین حکم جهان مطاع شد.

آنکه چون وزیر عالم ملکوت و محاسب دفتر جبروت به نوک قلم بدایع رقم «و القلم و ما یسطرون»، از روز ازل منشور دولت لایزال و فرمان سلطنت بی خلل را به نام نامی این خانواده خلافت و ولایت نگاشته، نواب همایون ما نیز در ازای این مکرمت روز افزون به مؤدای<sup>۴۶</sup> کریمه «اشکروالله ان کنتم ایاه تعبدون»، بر ذمت معدلت مفطور و جبلت مرحمت منظور، لازم فرموده ایم که اخلاص کیشان صافی رای و کفایت اندیشان کارگشای را - که پدر بر پدر مصدر حسن خدمت و خلفاً عن سلف پذیرای خلوص عـــبودیت باشند - از مواید خوان احسان و عواید بر و امتنان

بهره مند و محظوظ فرمائیم.

ناظم این مضمون، زبان حال وزارت و شرافت و نجابت پناه عزت و عوالی دستگاه شمساً للوزارة و الشرافة و النجابة و المعالی، میرزا محمدتقی کلاوتر دارالعباده یزد است که از سیاق احوالش، خط راستی و درستی معلوم و از مضمون حالش، معنی اخلاص و نیک نفسی مفهوم است. لهذا شمه [ای] از مرحام بیدریغ خدیوانه و شرذمه [ای] از مکارم بلیغ خسروانه، کافل امانی و آمال مشارالیه فرموده، از ابتدای ششماهه و نیم ایت ئیل، وزارت و نجابت پناه مومی الیه را به رتبه وزارت تفنگچیان سرکار خاصه شریفه سرافرازد. آنچه به هر جهت از مواجب و رسوم در ازای امر مزبور در وجه وزیر سابق مقرر بوده، به دستور در وجه مشارالیه عنایت و مرحمت فرمودیم که چنانچه باید و شاید از روی کمال راستی به خدمت مزبور و لوازم و مراسم آن، قیام و اقدام نموده، دقیقه [ای] فوت و فرو گذاشت ننماید. تفنگچیان سرکار خاصه شریفه وزارت و شرافت پناه، مشارالیه را وزیر بالاستقلال آن سرکار دانسته، رسومات امر مزبور را - به دستوری که واصل وزیر سابق می ساخته اند - همسازی مومی الیه نموده، چیزی قاصر و منکسر نگردانند و ارقام و احکام داد و ستد آن سرکار را به خط و مهر مشارالیه، معتبر دانند. مستوفی و کتاب سرکار تفنگچیان، حسب المسطور مقرر دانسته، موافق قانون و دستوری که سابقاً معمول بوده، به عمل آورند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلا، این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده، از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و در عهده دانند؛ تحریر شد؛ ۱۱۳۰.



فرمان شاه سلطان حسین، مبنی بر انتصاب میرزا محمدتقی کلانتر یزد  
به وزارت تفنگچیان خاصه و رئوس و ظایف نامبرده در این مقام (۱۱۳۰ ق.).



### ◆ پی‌نوشتها

- ۱- راجر سیوری، *ایران عهد صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ ۷ (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۸)، ص ۵۷.
- ۲- قورچی‌باشی: فرمانده قورچی‌های سواره شاه که در رتبه اول قرار داشت. قورچی‌ها، در به حکومت رسیدن صفویان، نقش بسزا داشتند و توانستند با کنار زدن نیروهای اصیل ایرانی، جایگاهی برای خود بیابند.
- ۳- قوللر آقاسی: دومین مقام را در قشون ایران دارا بود و قوای تحت فرمانش - تا جایی که می‌توانستند شرایط اقلیمی را تحمل کنند - بیش‌تر از گرجیان، چرکسها، ارمنیان و دیگر طوایف غیرایرانی تشکیل می‌شد.
- ۴- محمد سمیع میرزا سمیعا، *تذکره الملوک*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ ۲ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸)، ص ۵.
- ۵- انگلبرت کمپفر، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چاپ ۳ (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳)، صص ۴۴-۴۵.
- ۶- همان، ص ۲۵۴.
- ۷- ژان شاردن، *سفرنامه شاردن*، ترجمه حسین عریضی (اصفهان: نشر گلها، ۱۳۷۹)، ص ۱۴۱.
- ۸- میرزا سمیعا، *پیشین*، ص ۵.
- ۹- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، معاونت اسناد ملی، سند شماره ۱۳۰۰۱/۶۲، (سند شماره ۲).
- ۱۰- شردمه: پاره؛ مقدار کم از چیزی؛ گروه اندک از مردم *لغتنامه دهخدا*. (ویراستار)
- ۱۱- همان سند.
- ۱۲- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، معاونت اسناد ملی، سند شماره ۱۳۰۰۱/۶۳، (سند شماره ۱).
- ۱۳- میرزا سمیعا، *پیشین*، صص ۹ و ۳۸.
- ۱۴- ریختگی داشت، خوانده نشد.
- ۱۵- ریختگی داشت، خوانده نشد.
- ۱۶- سند شماره ۱۳۰۰۱/۶۳ (سند شماره ۱).
- ۱۷- اسکندر بیک منشی ترکمان، *تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷)، جلد ۲، ص ۱۴۹۰.
- ۱۸- همان، جلد ۳، ص ۱۷۳۵.
- ۱۹- سند شماره ۱۳۰۰۱/۶۲.
- ۲۰- *سفرنامه سانسون*، ترجمه محمد مهریار (اصفهان: گلها، ۱۳۷۷)، ص ۲۸.
- ۲۱- اسکندربیک ترکمان، *پیشین*، ص ۱۰۰۰.
- ۲۲- همان، صص ۱۳۵۶ و ۱۴۴۲.
- ۲۳- همان، ص ۱۳۳۱.
- ۲۴- همان، جلد ۳، ص ۱۷۴۰.
- ۲۵- کمپفر، *پیشین*، ص ۸۹.
- ۲۶- سند شماره ۱۳۰۰۱/۶۲.
- ۲۷- کمپفر، *پیشین*، ص ۱۷۶.
- ۲۸- همان، ص ۸۹.
- ۲۹- اسکندربیک ترکمان، *پیشین*، ص ۱۴۸۲.
- ۳۰- همان، ص ۱۳۵۶.
- ۳۱- همان، جلد ۱، ص ۹۹۱.
- ۳۲- همان، جلد ۲، ص ۱۲۹۷.
- ۳۳- همان، ص ۱۴۴۲.
- ۳۴- جنگیدن با شمشیر.
- ۳۵- خندق دور قلعه.
- ۳۶- همان، جلد ۳، ص ۱۷۲۸.
- ۳۷- میرزا سمیعا، *پیشین*، ص ۴۸.
- ۳۸- شاردن، *پیشین*، ص ۱۶.
- ۳۹- همان، ص ۱۲۱.
- ۴۰- همان، ص ۱۷۶.
- ۴۱- اسکندربیک ترکمان، *پیشین*، ص ۱۲۷۷.
- ۴۲- میرزا سمیعا، *پیشین*، صص ۵۳ و ۶۰ و ۹۴.
- ۴۳- ویلم فلور، *برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان*، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۶۵)، ص ۷۷؛ پطرس دی سرکیس گیلاننژ، *سقوط اصفهان*، ترجمه محمد مهریار، چاپ ۲ (اصفهان: گلها، ۱۳۷۱)، ص ۸۵.
- ۴۴- ریختگی داشت، خوانده نشد.
- ۴۵- ریختگی داشت، خوانده نشد.
- ۴۶- مؤذًا: ادا شده، پرداخت شده *لغتنامه دهخدا*. (ویراستار)